

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳	فصل اول: کلیات
۴	مسئله شناخت و تربیت
۵	روش و مراحل پژوهش
۹	جمع بندی
۱۰	فصل دوم: علوم شناختی و تربیت
۱۲	تأثیر علوم شناختی بر تربیت
۱۸	علوم شناختی و تربیت: تحلیل معرفت شناختی
۲۴	جمع بندی
۲۵	فصل سوم: مبانی شناختی تربیت
۲۵	سازوکار شناخت
۵۰	شناخت و هیجان
۶۵	شناخت و زمینه
۷۱	شناخت و بدن مندی
۷۹	شناخت و عمل
۸۲	شناخت و زبان
۸۳	شناخت و دانش
۹۱	شناخت و فناوری
۹۵	جمع بندی
۹۷	فصل چهارم: اصول شناختی تربیت
۹۷	اصول مربوط به سازوکار شناخت

صفحه	عنوان
۱۰۳	اصول مربوط به رابطه شناخت و هیجان
۱۰۹	اصول مربوط به رابطه شناخت و زمینه
۱۱۲	اصول مربوط به رابطه شناخت و بدن‌مندی
۱۱۵	اصول مربوط به رابطه شناخت و عمل
۱۱۸	اصل مربوط به رابطه شناخت و زبان
۱۱۹	اصول مربوط به رابطه شناخت و دانش
۱۲۴	اصول مربوط به رابطه شناخت و فناوری
۱۲۷	جمع‌بندی
۱۲۸	فصل پنجم: مفاهیم بنیادی تربیت از منظر علوم شناختی
۱۲۹	انگیزه
۱۳۰	هوش
۱۳۲	رشد شناختی
۱۳۳	دانش
۱۳۵	یادگیری
۱۳۶	سنجش یادگیری
۱۳۸	محیط یادگیری
۱۳۹	برنامه‌های درسی
۱۴۰	تدریس
۱۴۲	جمع‌بندی
۱۴۴	منابع

پیشگفتار

تعلیم و تربیت برای شکل دادن به بنیادهای نظری خود همواره از علم و فلسفه بهره برده است. برخی از علوم می که در تدوین مبانی تربیت از آنها استفاده می‌شود عبارت‌اند از: زیست‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی. این حوزه‌های علمی به متخصصان تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا برای تعلیم و تربیت مبانی علمی فراهم کنند و براساس آن برای کارگزاران تربیتی تجویزهای عملی ارائه کنند. همچنین، فلسفه منبع دیگری برای متخصصان تربیت بوده است تا به پرسش‌های بنیادین دربارهٔ انسان و امکانات، شرایط، محدودیت‌ها و الزامات او پاسخ دهند. اما اکنون شاهد ظهور قلمرو بین‌رشته‌ای جدیدی با عنوان علوم شناختی هستیم که رشته‌های مختلف را به همدیگر پیوند داده است. به نظر می‌رسد این قلمرو بین‌رشته‌ای که به دنبال فهم ماهیت و کارکرد ذهن و مغز است نتایج بسیار زیادی برای تعلیم و تربیت داشته باشد. از این رو، مطالعهٔ حاضر که با حمایت ستاد توسعهٔ علوم و فناوری‌های شناختی انجام یافته است، به تدوین مبانی و اصول تربیت براساس آموزه‌های علوم شناختی پرداخته است.

در فصل اول این کتاب به کلیات بحث می‌پردازیم. در این فصل، ضمن طرح مسئلهٔ پیوند میان علوم شناختی و تربیت، براساس مراحل پژوهش، روش‌های تدوین مبانی و صورت‌بندی اصول مطرح شده است. در فصل دوم، امکان‌هایی که علوم شناختی برای تأثیرگذاری بر تربیت دارد بررسی شده است. در فصل سوم، به منظور تدارک مبانی جدید برای تربیت، ابتدا از متون تخصصی علوم شناختی گزاره‌هایی استخراج شده است که به توصیف نحوهٔ عملکرد ذهن و مغز می‌پردازند، سپس، به منزلهٔ پژوهشی نظری، مقوله‌هایی که کارکرد ذهن و مغز را توصیف می‌کنند شناسایی شده‌اند. در این مطالعه، مفهوم نظری کانونی «شناخت» است که به مثابهٔ فعالیت یا فرایند ذهنی برای کسب دانش و فهم از طریق تفکر تلقی می‌شود. در مجموع، گزاره‌های مبانی در هشت مقولهٔ اصلی شامل «سازوکار شناخت»، «شناخت و هیجان»، «شناخت و زمینه»، «شناخت و بدن‌مندی»، «شناخت و عمل»، «شناخت و زبان»، «شناخت و

دانش»، و «شناخت و فناوری» طبقه‌بندی شده‌اند. در فصل چهارم، براساس روش قیاس عملی اقتباس شده از فرانکنا به تدوین اصول تربیت شناختی پرداختیم. در این روش، گزاره‌های مبنایی با گزاره‌های هنجارین برگرفته از اهداف تربیت رسمی کشور ترکیب می‌شوند تا دستورالعمل‌های کلی برای تربیت صادر شود. با توجه به سطح گزاره‌های هنجارین و ماهیت گزاره‌های مبنایی، اصول تدوین شده را در دو بخش نظری و عملی طبقه‌بندی کرده‌ایم. در فصل پنجم، براساس اصول و مبانی تربیت شناختی، مفاهیم بنیادی تربیت مانند معلم، برنامه‌داری و یادگیری بازتعریف شده است. در واقع، استدلال این بود که کاربرد اصول تربیت شناختی به بازتعریف مفاهیم بنیادی تربیت از زبان کنش‌گران تربیت وابسته است.

در اینجا، وظیفه خود می‌دانم تا از زحمات و مساعدت‌های استادان و همکاران عزیزم در این طرح قدردانی کنم؛ جناب آقای دکتر کمال خرازی که مسئولیت نظارت طرح را بر عهده داشتند و راهنمایی‌های ارزشمندی را در طول مطالعه ارائه کردند، و جناب آقای دکتر خسرو باقری که به‌عنوان همکار اصلی پژوهش در بخش تدوین مبانی و صورت‌بندی اصول، بینش‌های روشنگری را مطرح کردند. همچنین، از همکاری سخت‌کوشانه و همدلانه خانم‌ها لاله صحافی، آزاده بزرگی و جناب آقای آزاد محمدی، که با صبوری و دقت در جستجوی منابع، تلخیص داده‌ها، و به‌ویژه حضور در جلسات هفتگی برای بازخوانی، تحلیل، ترکیب و صورت‌بندی مبانی و اصول شناختی تربیت زحمت فراوان متقبل شدند، بی‌نهایت سپاس گزارم.

محمود تلخایی

۱۳۹۷